

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. بعضی از دوستان ما در دوره‌ی اول نمایندگی مجلس، شرمشان آمد و ننگشان کرد که حقوق بگیرند! گفتند ما حقوق بگیریم؟! (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۲. نمی‌شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلیشان از اولیات زندگی محرومند. (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۳. من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف، عروسی بگیریم، مثل خانه‌ی اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابانها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ... اندازه نگهدارید؛ دولت مخارجش زیاد و سنگین است. (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۴. اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۵. امیرالمؤمنین نام مردم را می‌آورد، اما به معنای حقیقی کلمه طرفدار مردم و ضعفا بود. توجه به ضعفا، قدرت و قاطعیت در مقابل زورگویان و ناحق‌طلبان و بهره‌مندی کم از منابع اموال عمومی، خصوصیات دیگر امیرالمؤمنین است. هر کس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد - یا به زبان بگوید، و یا اگر نمی‌گوید، در عمل این‌طور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم - و با بیت‌المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی‌تواند دنباله‌رو علی به حساب آید. (۱۳۸۰/۱/۱)
۶. «اشرافی‌گری و امتیاز طلبی مسئولان»، «بی‌مبالاتی به بیت‌المال» و «بی‌توجهی به طبقه مستضعف»، حرکاتی ضدانقلابی است. (۹۶/۱۱/۲۹)
۷. چسبیدن به دنیا و دویدن دنبال دنیا، برای یک مسئول در جمهوری اسلامی، نقص است و به همان معنایی که عرض شد، یک نقطه منفی است. عکس این باید باشد. (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)
۸. یک مسئله‌ی مهم دیگری که فقط مسئله‌ی شما نیست، و مسئله‌ی کشور است، مسئله‌ی اشرافیگری است؛ بلای اشرافیگری، بلای بزرگی است. برای بنده تصویر یک ساختمانی را که با پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای ساخته شده است آوردند، من حیرت کردم واقعاً که چطور جرئت شده است، چطور دست و دل کسی به او اجازه داده است که پول بیت‌المال را صرف یک چنین چیزی بکند. مسئله‌ی اشرافیگری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزشهایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهائی ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید. (۹۷/۳/۳۰)
۹. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت این‌که اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضد مردم‌سالاری است. باید با این فسادها مبارزه شود. برادران و خواهران عزیز! تا این فسادها در مجموعه کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد؛ هر کار هم بکنید، امکان نخواهد داشت. اینها شکافها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به وجود آمد، هرچه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را پُر نمی‌کند؛ دستاورد هم از بین می‌رود. لذا اول باید اینها را علاج کرد. این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام است: «من لک فیه هوی من رعیتک»؛ به رفقا و نزدیکان و آدمهایی که دوستشان داری،

- نباید امتیاز ویژه بدهی [رانت خواری]؛ همه باید یکسان امتیاز ببرند. امتیازی که هست، باید در اختیار همه قرار گیرد. اگر بناست قرعه‌کشی شود، اگر بناست سقف باشد، در عین حال نباید برای کسی امتیازی وجود داشته باشد. (۱۳۷۹/۹/۱۲)
۱۰. ... باید به عنوان یک مسئولیت و یک تعهد به آن نگریسته شود. نه این که وقتی امکانات پیدا کردیم، آن را برای تهیه لوازم رفاه شخصی، تشریفات، اسرافها و تجملات و غیره، بهترین فرصتها تلقی کنیم. چه نمایندگی مجلس باشد، چه سِمَتی در دستگاههای عالی دولتی باشد، چه مسئولیتهای بالای نظامی باشد، چه مسئولیتهای بالای قضایی باشد، تفاوت نمی‌کند. نباید به این امکانات به عنوان یک طعمه و یک غنیمت نگاه شود و بگوییم: «حالا که رسیدیم، پس دیگر بهره‌برداری کنیم!» همه چیز باید از روی حق، از روی حساب و با روحیه بی‌اعتنایی به زخارف دنیا باشد. اگر چنین شد، راه و حرکت را آسان خواهد کرد. (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)
۱۱. شما [مسئولان و کارگزاران] چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسایل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قایل نشدیم - مگر حدی که در دسر قضایی درست بکند! - و هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۱۲. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسئول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقای که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد. (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۱۳. گاهی از جاهایی گزارشهای نومیدکننده‌یی می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی می‌نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسأله را در جایی ببرند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین‌طور بی‌حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌یی، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسئولان آن جا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۱۴. من الان اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید؛ ماشین دولتی یعنی چه؟ والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه‌ی جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم. (۱۳۷۰/۵/۲۳)
۱۵. یکی از ایرادهایی که به مجالس ممکن است گرفته شود، این است که نمایندگان با اتکا به نمایندگی درصدد باشند از امکانات دولتی خدای ناکرده، استفاده نادرستی کنند. این چیزی نیست که از چشم مردم پوشیده بماند. (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)
۱۶. ... هر کدام از مسئولین کشور باید سعی و تلاششان این باشد که آن چهره زهد امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در خودشان منعکس کنند. البته زهد علی علیه‌السلام، برای ما نه قابل عمل است و نه حتی قابل درک. ما که نمی‌توانیم آن گونه زندگی کنیم! اما پرتوی از آن عدالت و زهد را، شاید بتوانیم داشته باشیم. نه این که ما بگوییم نمی‌توانیم. خود آن بزرگوار گفته است. نه این که مانمی‌توانیم. هیچ‌کس نمی‌تواند. حتی بعضی از معصومین علیهم‌السلام هم از این که بتوانند آن طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام عمل می‌کرد، عمل کنند، اظهار عجز کرده‌اند. بحث بر سر آن گونه عدالت نیست. اما رنگ ما باید همان رنگ باشد؛ ولو کمرنگ. روش ما باید همان روش باشد؛ ولو رقیق. در جهت عکس او که نباید حرکت کنیم. مسئولین باید این معنا را عملاً به مردم یاد بدهند. (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

۱۷. حکومت کردن و سمت و منصب در جمهوری اسلامی، نباید به شکل یک غنیمت نگاه شود. در دنیا، مردم برای این که به مناصبی برسند، تلاش می‌کنند. هر منصبی هم که باشد، فرقی نمی‌کند. (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)
۱۸. اگر نماینده‌ای بر سر کار آید که قبل از ورود به مجلس، خود را وامدار دیگران کرده و مجبور باشد در مجلس وام آنها را ادا کند؛ نانهایی به قرض گرفته باشد و بخواهد به مجلس که رفت، قرض خود را ادا کند؛ به درد نمی‌خورد. (۱۳۷۴/۱۱/۲۰)
۱۹. «و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیه»؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیعتری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیعتر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروههای خاص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطابیم. الان شما اگر وزیرید، اگر نماینده‌اید، اگر از مسئولان مربوط به نیروهای مسلحید، اگر مربوط به رهبری هستید، اگر مربوط به قوه قضائیه هستید، هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد؛ که اینها در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌الصلاه والسلام به «خاصه» تعبیر شده است. بعد می‌فرماید: «فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه»؛ اگر صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، نارضایتی مردم این گروههای خشنودشده خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد. «و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه»؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آنها کار کردید، بگذار اینها ناراضی باشند. «یغتفر»؛ این نارضایتی بخشوده است. (۱۳۷۹/۹/۱۲)
۲۰. در باب فساد اقتصادی خوب است همه از اطرافیان و منسوبان خویشاوندی و شخصیتی خود شروع کنند. فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینند، بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنند. بلای گرفتاری در مُشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه‌ی زمان، مطرود ایشان واقع شود و او را از دخالت در امور سیاسی منع شرعی کنند. (۱۳۸۱/۴/۲۰)
۲۱. یکی از مهمترین مواضع بروز تقوا در عمل مسئولان این است: خود را در مقام انجام مسئولیت ندیدن؛ درست عکس آنچه که اهل دنیا برای مسئولیتها قائلند. اهل دنیا مسئولیت‌های دولتی و... را برای دنیای خودشان می‌خواهند. اگر ریاست، مدیریت یا عضویت در پارلمانها و مراکز این چنینی را می‌خواهند، در درجه اول آنچه برایشان اهمیت دارد، مسائل شخصی است. لذا در طی مسئولیت، بار خودشان را می‌بندند و شاید خود را برای مدت طولانی از عمر بیمه و تأمین می‌کنند! در نظام جمهوری اسلامی، قطعاً این محاسبه، محاسبه غلطی است. کسی که وارد مسئولیت می‌شود، باید مطلقاً منافع شخصی خود را در قبول این مسئولیت نبیند و اگر این کار و مسئولیت مطابق توانایی‌اش نیست، مسئولیت را قبول نکند؛ اما وقتی قبول کرد، باید آنچه در درجه اول برایش اهمیت دارد - که هیچ چیز در عرض آن نیست - ادای مسئولیتش باشد؛ هرچند که به ضرر خود او و برخلاف منافعش تمام شود. (۱۳۸۲/۸/۱۱)
۲۲. برادران و خواهران عزیز! صراط برای من و شما خیلی حساس است. ما مسئولیم. ما با آدمهای معمولی کوچ و بازار فرق داریم. ما چه نماینده‌ی مجلس باشیم، چه عضو دولت باشیم، چه مدیر فلان بخش نظامی باشیم، چه بخش قضایی باشیم، همین که شما آقایان و خانمها مسئولان بخشهای مختلف هستید، کار من و شما سخت است. ما اگر تخطی و لغزش پیدا کنیم و اشکالی در کارمان پیدا شود، ضررش فقط به خود ما نمی‌رسد؛ ضررش به جمع وسیعی می‌رسد. ما اگر کم‌کاری و کوتاهی کنیم، کشور ضرر می‌کند. ما اگر خدای نکرده از هوای نفس خود در تصمیم‌گیری‌ها پیروی کنیم، از رفیق‌بازی و خطبازی و عدم ملاحظه‌ی ارزشهای حقیقی تبعیت کنیم، کشور صدمه می‌بیند. کار ما سخت است. ما بیشتر از دیگران باید به فکر جهنم و عبور از این صراط دشوار باشیم. این چند سال مسئولیت، ابدی نیست. نماینده‌ی مجلس هستید، عضو دولت

هستید، وزیرید، مدیرید؛ این سه سال، چهار سال، پنج سال، ده سال می‌گذرد. اگر این چند سال را دندان روی جگر بگذارید و دنبال کسب پول، دنبال درآمدهای نامشروع، دنبال رانت‌خواری، دنبال استفاده‌ی از امکانات دولتی و دنبال تعرض به بیت‌المال نباشید - این‌که خیلی دشوار نیست - آن وقت «انّ الذین سبقتم لهم منّا الحسنی اولئک عنها مبعدون». «هذا یومکم الّذی کنتم توعدون»؛ فرشتگان الهی پیش متقین و مؤمنین می‌آیند و می‌گویند این همان روز شماست؛ همان روزی است که وعده و مژده‌ی آن را انبیا در طول تاریخ به مؤمنین داده‌اند. لذت ببرید؛ «ادخلوا الجنّه». ما بیشتر از دیگران باید مراقب باشیم و بیشتر از دیگران از جهنم بترسیم. آتش دوزخ کسانی را که مسئولیت مضاعف دارند، بیشتر تهدید می‌کند تا آدمهای معمولی که خودشان هستند و بار مسئولیت خودشان در دایره‌ی خیلی محدود و کوچکی. وضع ما سخت‌تر است. (۱۳۸۳/۸/۶)

۲۳. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه‌ی دینی و اسلامی کنیم. (۱۳۸۳/۸/۶)

۲۴. این چهار سال مسئولیت را از دورانی که بناست برای آینده‌ی مادی زندگی‌تان منشأ سودی باشد، خارج کنید. ممکن است انسان شصت سال، هفتاد سال، هشتاد سال عمر کند؛ در طول عمرش هم برای آینده‌ی خود فکر و تمهید و مقدمه‌سازی داشته باشد - فلان چیز را بخریم، فلان چیز را نگه‌داریم - ولی این چند سالی که وزیر هستیم، از دوره‌ی که باید به فکر آینده‌ی خود باشیم، خارج کنیم. وکالت مجلس هم همین‌طور است؛ این چند سال را از آن دوره خارج کنید. خیال خودتان را راحت کنید؛ نخواهید پایه‌ی زندگی آینده‌ی مادی را در این چند سال بچینید؛ نه، این چند سال را وقف کنید؛ خدای متعال به شما عوض خواهد داد. (۱۳۸۴/۳/۸)

۲۵. اگر هدف قدرت، منافع مادی شد، قدرت، بزرگترین وزر و وبال برای انسان خواهد بود. کسانی که قدرت و منصب و مقام را برای بهره‌مندی‌های خود، پُر کردن کیسه‌های خود و دنیای خود می‌طلبند، آن‌جایی که منافع آنان با منافع مردم اصطکاک پیدا می‌کند، نمی‌توانند به نفع مردم کار کنند. قدرت به خودی خود نه نعمت است، نه نعمت؛ اگر برای خدا و برای خدمت شد، نعمت است؛ اگر برای دستاوردهای مادی و ارضای هوس‌های انسانی شد، می‌شود نعمت. (۱۳۸۴/۵/۱۲)

۲۶. امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاه والسّلام) به ابن‌عباس فرمود: ارزش ذاتی حکومت برای من از این کفش وصله‌خورده کمتر است - «ألا ان اقیم حقاً» - مگر این‌که حقی را اقامه کنم؛ آن وقت قدرت ارزش پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین با معارضانِ همین قدرت به جنگ برمی‌خیزد. قدرتی که برای عدالت و حقیقت است، ارزشمند است؛ این نعمت خداست؛ منتها شیطان باید ما را دچار تسویل نفسانی نکند. نباید اهواء و هوس‌های خودمان را به اشتباه جای آرمانها بگذاریم و خود را توجیه کنیم. (۱۳۸۴/۵/۱۲)

۲۷. اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی - اگر واقعاً اصلاحات باشد - بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و پُر کردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگیها و صلاحیتها و قابلیت‌های افراد توجه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده‌ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه با اینها، همان اصلاحات واقعی است. این را مردم می‌خواهند؛ اما امریکاییها این را نمی‌خواهند؛ رئیس‌جمهور امریکا به هیچ وجه چنین چیزی را در داخل کشور نمی‌خواهد. (۸۱/۴/۲۶)

۲۸. یکی از کارهای بسیار بدی که می‌خواست رایج شود و خوشبختانه به نحوی جلو آن گرفته شد، مسأله هدایا بود. کسی می‌خواهد از مسؤولیتی برود، هدایای فراوانی به او داده میشود! کسی که هدیه میدهد، از کجا میدهد؟ از جیب خودش؟ نه، از بیت‌المال. به چه مناسب؟! این هدیه چیست؟! (۸۰/۶/۵)

۲۹. از جمله مصادیق امانت، رعایت اولویتهای در هزینه کردن است. گاهی هزینه‌ها، هزینه‌های درستی است؛ اما اولویت‌دار نیست. شما نگاه کنید، اولویتهای را با امکانات تطبیق کنید. امکانات ما محدود است؛ لذا اولویتهای را با امکانات چفت کنید. البته در این کار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دستگاههای دولتی میتوانند نقش زیادی داشته باشند. خلاصه این که باید برای بیت المال، بسیار اهمیت قائل شد. (۸۰/۶/۵)

۳۰. مبارزه با مفسد اقتصادی و گرایش به سمت بیندواری در امور مالی و مسائل بیت‌المال، از جمله اولین خطوط برنامه امیرالمؤمنین بوده است. ما در نظام جمهوری اسلامی باید افتخار کنیم که این راه را دنبال می‌کنیم. (۸۰/۱۲/۱۲)

۳۱. امروز یکی از مهمترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسؤولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانوندانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی - سه، چهار سال - دهها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره‌ی حق‌به‌جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پولها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طمّاع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود. ضرر دوم این است: کسانی که میخواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راههای نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پردردسر تولید و مقدمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند. (۸۰/۱۰/۱۹)

۳۲. ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسؤولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند. (۸۰/۱۰/۱۹)

۳۳. ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج میشود؛ «امرنا مترقیها ففسقوا فیها» [اسراء: ۱۶]. وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. (۸۰/۱۰/۱۹)

۳۴. ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسؤولان کشور خواش می‌کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسؤولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آن‌گاه می‌فهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است. نشناختن موقعیت و خطر، همان ناخودآگاهی است که این خود خطر بسیار بزرگی است. (۸۰/۱۰/۱۹)

۳۵. من عرض می کنم، هیچ کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاههای مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می کنند - چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است - برای این که امانت به خرج دهند و سوء استفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد. البته این تقسیم بندی - نهادهای زیر نظر رهبری و نهادهای غیر زیر نظر رهبری - تقسیم بندی غلطی است؛ ما چنین چیزی نداریم. طبق قانون اساسی، سه قوه مجریه و قضائیه و مقننه زیر نظر رهبریانند. دستگاههای دیگر نیز همین طورند. زیر نظر رهبری بودن به معنای این نیست که رهبری، دستگاهی را مدیریت می کند؛ اما به هر حال فرقی نمی کند؛ لازم است نظارت شوند. البته نظارتها در کشور ما متأسفانه هنوز تخصصی، علمی و کارآمد نیست. در مواردی، بی طرفانه هم نیست؛ این را بایستی اعتراف کنیم. البته همه نهادهای دولتی و عمومی باید از محاسبه باکی نداشته باشند. گفت: «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است». حسابشان را پاک کنند تا از محاسبه باکی نداشته باشند. بنابراین چنین نیست که دستگاههای مربوط به رهبری از نظارت معاف باشند؛ نه، به نظر ما بازرسیها لازم است. البته الان هم هستند و نظارت هم می شوند. البته معنای این حرف این نیست که هیچ خطایی اتفاق نمی افتد؛ اما بنابر مسامحه کردن و اجازه خطا دادن نیست. (۷۹/۱۲/۹)
۳۶. کسانی که از اموال دولتی و از بیت المال استفاده می کنند، بایستی به قدر حق و ارزش کارشان برخوردار شوند. نمی شود که عده ای برخورداریهایی زیاد داشته باشند. (۷۹/۲/۱۴)
۳۷. البته آن کسانی که با پول بیت المال قلم می زنند، باید بفهمند که چه می نویسند. بعضی کسان حق ندارند پول این ملت را بگیرند و با بودجه بیت المال - با پول بیت المال که مال مردم است - علیه مصالح مردم حرف بزنند و خائنه نظر بدهند. (۷۷/۱/۱)
۳۸. خود مسؤولان دولتی هم نباید اسراف کنند. اسراف مسؤولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضرتر است؛ زیرا که این اسراف در بیت المال است. (۷۶/۱/۱)
۳۹. امیرالمؤمنین علی(ع)، فرمود: اموالی که تا امروز افراد برگزیده و محترمهها بیجا و بناحق تصرف کرده اند، هر جا من به این اموال دست پیدا کنم، اینها را به بیت المال برمی گردانم. در طول این چند سال کسانی توانسته بودند پولهایی را از بیت المال به نفع خودشان بردارند. فرمود من همه اینها را برمی گردانم؛ «لو وجدته قد تزوج به النساء»؛ حتی اگر ببینم مهر زنهائیان قرار داده اید، یا «و ملک به الاماء»؛ برای حرمسراهای خودتان کنیز خریده اید. «لرددته»؛ به بیت المال برمی گردانم. مردم و بزرگان بدانند که روش من این است. (۸۳/۸/۱۵)
۴۰. در امیرالمؤمنین عدالت شخصی در حدّ اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت المال توسط او، در استفاده او از بهره های زندگی، در هزینه کردن بیت المال مسلمین، در قضاوت او و در همه شؤون او خودش را نشان می دهد. (۹۲/۵/۱)
۴۱. بر مصرف درست بیت المال تأکید می کرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید می کرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل گرایی و عمل در این جهت. (۹۴/۳/۱۴)
۴۲. تلویزیون یک برنامه ای را دیروز پریروزها پخش می کرد از بعضی از شهداء که بنده تصادفاً چند دقیقه ای دیدم؛ آنچه درباره ی آن شهیدان گفته می شود، یا در وصیت نامه ی آن شهیدان درج شده بود، انسان را واقعاً از عظمت روحی این شهید متحیر می کند. می گوید من درس خواندم و می ترسم که این درس خواندن من - که خرجی برایش شده و هزینه ای شده - تحمیل

- بر بیت‌المال بوده و این به گردن من باشد؛ وقتی که من شهید شدم موتور گازی من را بفروشید، پولهای بانک من را بگیرید، بروید بدهید به بیت‌المال به جای آن! اینها درس است؛ اینها درس است.(۹۵/۷/۵)
۴۳. یکی از خصوصیات، این است که مردم می خواهند این احساس را داشته باشند که مسؤولان کشور در سطوح مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانتدار و امینند. این را من می خواهم از شما به طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ماست - بیت المال و آنچه که مربوط به ثروتهای عمومی کشور است - اختلال پیدا نکند. نگذارید دشمن بتواند این طور تبلیغ کند که یک طبقه جدید و یک اشرافیگری جدید، در حال شکل‌گیری است. دشمن، از این گونه حرفها می زند. اگر چیزی دیده شد که این حرف دشمن را به نحوی تأیید کرد، این خدمت به دشمن است؛ نباید بگذارید. دشمن، دشمن است و تهمت می زند. در این چند ساله، این بلندگوها، این رسانه‌های جمعی دشمن، چقدر علیه جمهوری اسلامی حرفهای خصمانه زدند! در زمینه سوء استفاده و امثال آن، آن قدر یاوه و دروغ و خلاف واقع گفته‌اند که احصای آن واقعاً آسان نیست. ولی اگر مردم دیدند که در مواردی، چیزهایی تأیید می کند - ولو یک مورد - ده مورد را باور و قبول می کنند. این را باید توجه داشته باشید.(۷۶/۲/۶)
۴۴. یکی از خصوصیات سیاست‌ورزی امیرالمؤمنین این بود که برای پیروز شدن، به ظلم و به دروغ و به کارهای ظالمانه متوسل نمی شد. یک عده‌ای در اوائل حکومت امیرالمؤمنین آمدند که آقا شما این افرادی که تو جامعه هستند - این متنفذین - یک مقداری ملاحظه‌ی اینها را بکن و سهم بیشتری از بیت‌المال به اینها بده، مخالفت اینها را موجب نشو و دل‌هایشان را جلب کن! فرمود: «أ تأمرونی ان أطلب النصر بالجور»؛ شما می خواهید من پیروزی را به وسیله‌ی ظلم برای خودم دست و پا کنم؟ «والله لا اطور به ما سمر سمیر و ما أمّ نجم فی السماء نجما»؛ امکان ندارد امیرالمؤمنین با ظلم، با راه غلط و خطا، با شیوه‌های غیر اسلامی دوست برای خودش درست کند.(۸۸/۶/۲۰)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

منبع:

1- KHAMENEI.IR

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش «با آرزوی بهترین‌ها» «ویرایش دوم، شهریور ۱۳۹۹»